**به سان کعبــــــــه**

**در این میان به روایاتی برخورد می‌کنیم که شخصیّت امام علی(ع) در ارتباط با حج و سرزمین وحی و بیت الله الحرام نمایانده شده است.2 از آنجا که پرداختن تفصیلی به همه سخنان آن حضرت، از حوصله یک مقاله خارج است، تنها گزیده‌ای از محورهای فوق را به اختصار مطرح می‌کنیم تا هم گوشه‌ای از شخصیّت والای آن امام همام نمایان شود و هم با مروری بر سخنان گهربار او، گوشه‌ای از عظمت فریضة حج تبیین گردد.**

بخش وسیعی از سخنان امام علی(ع) در ابعاد مختلف حج و سرزمین وحی است. بعضی از آنها در مقام تبیین فلسفه و حکمتِ تشریع حج می‌باشد. بعضی سخنان را از رسول اکرم(ص) درباره این فریضه بزرگ الهی نقل می‌کند. بعضی مربوط به احکام و مناسک حج است. بعضی هم عهده‌دار تشریح جایگاه و اهمّیت حج در فرهنگ اسلامی است. در بعضی نیز تصحیح احکام و مقرّرات نادرستی به چشم می‌خورد که از سوی خلفای وقت مقرّر شده و به اجرا در می‌آمد.1  
در این میان به روایاتی برخورد می‌کنیم که شخصیّت امام علی(ع) در ارتباط با حج و سرزمین وحی و بیت الله الحرام نمایانده شده است.2 از آنجا که پرداختن تفصیلی به همه سخنان آن حضرت، از حوصله یک مقاله خارج است، تنها گزیده‌ای از محورهای فوق را به اختصار مطرح می‌کنیم تا هم گوشه‌ای از شخصیّت والای آن امام همام نمایان شود و هم با مروری بر سخنان گهربار او، گوشه‌ای از عظمت فریضه حج تبیین گردد.  
  
بخش اوّل: امام علی(ع)، به سانِ کعبه  
معروف است که در جنگ صفّین، هنگامی که افراد جاهل در سپاه حضرت، فریب معاویه و عمروعاص را خوردند و خواستار حَکَمیّت قرآن میان دو لشکر شدند، امام علی(ع) به آنان فرمود:   
«قرآنی که بر نیزه‌ها می‌بینید، فریبی بیش نیست، من بیش از آنان پایبند احکام قرآنم؛ «وَیْحَکُمْ اَنَا اَوَّلُ مَنْ دَعا اِلی کِتابِ الله ...؛3  
... وای بر شما، من نخستین کسی هستم که به کتاب خدا دعوت کردم و اوّلین کسی هستم که دعوت کتاب خدا را اجابت کردم و دینم به من اجازه نمی‌دهد که دعوت به کتاب خدا شوم و آن را نپذیرم. همانا من با آنان می‌جنگم تا سر تسلیم در برابر حکم قرآن فرو آورند، آنان خدا را نافرمانی کرددند و پیمان او را شکستند و کتاب او را پشت سر افکندند؛ ولیکن من به شما اعلام می‌کنم که اینان حقّه زده‌اند و شما را فریفتند. آنان در پی عمل به قرآن نیستند.»  
اینکه امام علی(ع) و سایر امامان، خود را قرآن ناطق خوانده‌اند، بدین جهت است که تمام معارف و دستورات قرآن در وجود آنان تجلّی یافته است. اگر قرآن هدایت انسان‌ها را تعقیب می‌کند و برنامه آسمانی تربیت انسان‌های کامل است، هر انسان کاملی قرآن مجسّم خواهد بود. کتاب حقیقی است که از مبدأ وحی به قلب مقدّس رسول خدا(ص) نازل گشته و همین حقیقت توسط پیامبر در وجود علی(ع) متجلّی شده و از او قرآن مجسّم ساخته است. امام خمینی(ره) آن عارف نامدار می‌فرمود:  
اگر چنانچه پیغمبر اسلام(ص) ، غیر از این موجود تربیت نکرده بود، کافی بود برایش.  
اگر چنانچه پیغمبر اسلام(ص) مبعوث شده بود برای اینکه یک همچو موجودی را تحویل جامعه بدهد، این کافی بود.4  
پس جایگاه علیّ بن ابی طالب(ع) به عنوان انسان کامل آن است که وجود عینی و تجسّم یافته قرآن کریم است و شاید به همین جهت مانند قرآن که طاهر است و جز پاکان آن را لمس نمی‌کنند، «لاَ یَمَسُّهُ إِلاَّ الْمُطَهَّرُونَ»5 آن حضرت نیز با اولیای معصوم دیگر طاهرند «إِنَّمَا یُرِیدُالله ُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمْ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرا؛6  
که خداوند درباره آنها فرمود: همانا خداوند اراده کرده است که پاک گرداند از شما اهل بیت هر گونه رجس و پلیدی را و طاهر گرداند شما را طاهر کردنی.»  
به هر تقدیر از اینجا می‌توان به معنای روایات متعدّدی که امام علی(ع) را در میان امّت اسلامی به «کعبه» تشبیه کرده، پی برد. در هر یک از این روایات، پس از تشبیه حضرت به کعبه، وجوه شباهتی نیز بر شمرده شده، ملاحظه مجموع این وجوه تشبیه، نشانگر آن است که تشبیه امام علی(ع) به خانه کعبه با عنایت به چه نکات و ویژگی‌هایی بوده و رسول مکرّم اسلام(ص) درصدد یادآوری چه نکاتی به مردم بوده است.   
در این موضوع نیز کثرت روایات با یک مضمون و محتوا نشان می‌دهد که درباره آن حضرت چنین تشبیهی توسط پیامبر(ص) انجام گرفته است. اینک چند نمونه از این روایات:  
1. ابوذر از رسول خدا(ص) نقل کرده که حضرت فرمود:  
«مَثَلُ عَلِیٍّ فِیکُم ـ فِی هذِهِ الأُمَّةِ ـ کَمَثَلِ الْکَعْبَةِ الْمَسْتُورَةِ، النَّظَرُ اِلَیها عِبادَةٌ وَالْحَجُّ اِلَیها فَرِیضَةٌ؛7  
مَثَل علی در میان شما (در میان این امّت) مانند کعبه پوشیده است که نگاه به آن عبادت و حجّ آن فریضه و تکلیف است.»  
در این بیان نورانی، به دو ویژگی از ویژگی‌های کعبه اشاره شده؛ یکی نگاه به خانه خدا که عبادت است و دیگری آهنگ آن را نمودن و در حریم کعبه اعمال و مناسک حج را به جا آوردن که یک تکلیف و فریضه الهی است. امام علی(ع) مانند کعبه است و نگاه به او عبادت و موجب قرب به پروردگار است و در میان امّت اسلامی از جایگاهی برخوردار است که آهنگ او نمودن و بر حول محور او حرکت کردن، فریضه‌ای الهی است.  
اگر حج تمرین یک زندگی توحیدی است و این زندگی بر مدار و محور خانه خدا انجام می‌گیرد، تشبیه علی(ع) به خانه خدا از این زاویه بسیار حائز اهمّیت است. او نیز در زمان خویش محور و مدار این زندگی توحیدی است.  
2. امام کاظم(ع) از پدر بزرگوارش نقل می‌کند که رسول خدا(ص) هنگام وصیّت خطاب به علی(ع) فرمود:  
«فَاِنَّما مَثَلُکَ فِی الأُمَّةِ مَثَلُ الکَعْبَةِ نَصَبَهاالله ُ عَلَما وَاِنَّما تُؤْتِی مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمِیق وَنَأی سَحِیقٍ وَلا تَأتی وَاِنَّما اَنْتَ عَلَمُ الْهُدی وَنُورُالدِّینِ وَهُوَ نُورُالله ِ...؛  
فقط مَثَل تو در میان امّت، مَثل کعبه است که خداوند به عنوان عَلَم و پرچم، آن را نصب کرد و معیّن نمود و از هر درّه عمیق و ناحیه دور دستی به سوی او می‌شتابند و او به سوی آنها نمی‌رود و تو (ای علی!) پرچم هدایتی و نور و روشنایی دینی و آن نور خدا است...»  
در این بیان نبوی، کعبه پرچمی خوانده شده که خداوند آن را به اهتزاز درآورده تا مردم از هر منطقه و ناحیه‌ای خود را تحت این پرچم قرار دهند و به دنبال آن حرکت کنند. اینکه خانه کعبه قبله واحد مسلمانان است و اینکه همگان برای انجام اعمال و مناسک حج به سمت این خانه حرکت می‌کنند، نشانگر آن است که همه مسلمانان تحت یک پرچم قرار دارند. علی(ع) در امّت اسلامی چنین موقعیّتی را دارد. او پرچم هدایت همگان است. نور و روشنایی دین است. تشبیه در کلام پیامبر اکرم(ص) ایجاب می‌کند که امّت اسلامی تحت پرچم او قرار گیرند و عَلَم دیگری را در مقابل عَلَم او عَلَم نکنند؛ ولی افسوس که از خدمت تحت این پرچمِ هدایت سر باز زدند و پرچم‌های رنگارنگ ضلالت و گمراهی برافراشتند و امّتی را متفرّق ساخته و هر گروهی را تحت پرچمی مشغول کردند.  
3. ابن عبّاس که به نمایندگی از امیرمؤمنان با خوارج به گفت‌وگو نشست، سخنان آنان را به حضرت منتقل نمود، یکی از اعتراضات خوارج امام این بود که او با اینکه وصیّ رسول خدا(ص) بود؛ امّا وصایت را ضایع و تباه کرد، حضرت در پاسخ می‌فرماید:  
«شما مرا تکفیر کردید و بر من شوریدید و زمام امور را از دست من خارج کردید و اوصیای الهی وظیفه ندارند که مردم را به سوی خود فرا بخوانند، فقط پیامبران مبعوث شده‌اند که مردم را به سوی خود فرا بخوانند؛ امّا وصیّ کسی است که مردم به سراغ او می‌روند و او نیازی ندارد که آنان را به سوی خود دعوت کند.»  
سپس به آیه وجوب حج، استناد جسته، می‌افزاید:  
«اگر مردم حج را ترک کنند، خانه خدا به خاطر ترک آن از جانب مردم کافر نمی‌شود؛ ولی آنان به خاطر ترک خانه خدا کافر می‌شوند؛ زیرا خداوند خانه‌اش را عَلَم و پرچم بر آنان قرار داده، مرا نیز علم و پرچم قرار داد؛ زیرا رسول خدا(ص) فرمود: «یا عَلِیُّ اَنْتَ بِمَنْزِلَه الْکَعْبَةِ تُؤْتی وَلا تَأْتی»9  
4. شبیه به این بیان با نکات بیشتر در روایتی دیگر نقل شده که پیامبر اکرم(ص) خطاب به علی(ع) فرمود:  
«یا عَلِیُّ، اَنْتَ بِمَنْزِلَةِ الْکَعْبَةِ تُؤْتی وَلاتَأْتی فَاِنْ اَتاکَ هؤُلاءِ الْقَومِ فَسَلَّمُوا لَکَ فَاقْبَلْهُ مِنْهُمْ، وَاِنْ لَمْ یَأْتُوکَ فَلا تَأْتِهِم».10  
حضرت در این سخن وجه تشبیه امام علی(ع) را به کعبه تشریح می‌کند. حاکم جامعه باید از چنان جایگاهی برخوردار باشد که مردم با عشق و علاقه، او را بپذیرند و به ولایتش گردن نهند و اطاعتش را بر خود فرض بشمارند.  
بدیهی است اگر مردم به سراغ حاکم بر حق و منصوب از جانب خدا نرفتند و ولایت او را در جامعه تحقّق نبخشیدند، معصیت کرده و ضرر و زیان آن نیز متوجّه ایشان است؛ زیرا حکومت برای امام معصوم یا عادل، مقام و فضیلتی محسوب نمی‌شود؛ زیرا در این صورت قابل غصب نیست.  
5. روایت دیگری که با روایات قبلی تفاوت‌هایی دارد، از امام سجّاد(ع) نقل شده که حضرت فرمود:  
«فَاِنَّ عَلِیّا کَالْکَعْبَةِ الَّتی اَمَرَاللهُ، بِاسْتِقْبالِها لِلصّلوه جَعَلَهاالله ُ لِیُؤْتَمَّ بِهِ فی اُمُور الدِّین وَالدُّنیا کَما لایَنْقُصُ الْکَعْبَةُ وَلا یَقدح فی شَیْءٍ مِنْ شَرَفِها وَفَضْلِها اِنْ وَلیّ عَنْهَا الْکافِرُونَ، فَکَذلکَ لایَقْدَحُ فی عَلیّ إنْ اَخّرَهُ عَنْ حَقِّهِ الْمُقَصِّرُونَ وَدافَعَهُ عَنْ واجِبِهِ الظّالِمُونْ؛11  
علی مانند کعبه است که خداوند دستور داده برای نماز رو به سوی آن بایستند، آن را قرار داد تا در امور دین و دنیا از آن تبعیّت کنند، همچنان که کعبه دچار کمبود و نقصان نمی‌شود و چیزی از شرف و فضیلت آن کاسته نمی‌شود، اگر کافران از آن رو برگردانند؛ علی(ع) هم ضرری نمی‌بیند اگر افراد مقصّر ادای حق او را به تأخیر اندازند و ستمکاران او را از انجام تکلیفش باز دارند.»  
از این روایت نیز بر می‌آید که روگردانی مردم از امام علی(ع) که جایگاهی به سان کعبه در فرهنگ اسلامی دارد، به ضرر و زیان مردم است و آن حضرت ضرری از این ناحیه نمی‌بیند.   
بنابر آنچه گفته شد، از روایات پنجگانه فوق، چند نکته استفاده می‌شود:  
نکته اوّل: جامعه برای رسیدن به سعادت دنیا و آخرت نیاز به راهنما دارد، همان‌طور که خانه خدا قبله‌گاه امّت اسلامی است، امام علی(ع) نیز پرچم هدایت امّت است. (روایت 1 و 2)  
نکته دوم: مردم وظیفه دارند بر گرد وجود امام علی(ع) به عنوان پرچم هدایت اجتماع کنند و با اطاعت از او، سعادت خود را تأمین نمایند، چنان‌که موظّفند آهنگ خانه خدا نموده، حج به جا آورند. (روایت 1 و 2)  
نکته سوم: اگر مردم وظیفه و تکلیف خود را نسبت به امام علی(ع) ترک کرده، به علل مختلف اطراف او را خالی کنند و تحت پرچم‌های دیگر در آیند  ضرر و زیانی متوجّه آن حضرت نخواهد شد؛ بلکه مردم خود متضرّر خواهند گشت. (روایت 5)  
نکته چهارم: «امام» نیز مانند «کعبه» منسوب به خداست. اگر کعبه عَلَمی است که خداوند برافراشته، امام علی(ع) نیز پرچم هدایتی است که خداوند نصب نموده است. امامت در فرهنگ اسلامی با همه شئونش که یکی از آنها ولایت و حکومت بر مردم است، امری الهی است. تنزّل آن از این جایگاهِ رفیع، در حدّ حکومتی صرفاً دنیوی و امری بشری، ظلمی در حقّ امامت و مردم است. گرچه الهی بودن منصب امامت و رهبری در فرهنگ اسلامی به قدری روشن و آشکار است که نیازی به استناد به تشبیهاتی از این قبیل در روایات نیست؛ امّا به هر حال، نکته جالب توجّهی است که از روایات فوق استفاده می‌شود. (روایات 2 و 3)  
نکته پنجم: در روایات پنجگانه فوق، امام علی(ع) به خانه کعبه تشبیه شده و از چنین جایگاهی برخوردار گشته و وجوه شباهتی هم برای آنها بیان شده است؛ به طوری که علی(ع) به عنوان «امام» دارای چنین مقام و موقعیّتی است؛ چون پیامبر گرامی(ص) عمرش محدود بوده، باید جانشینانی داشته باشد که در میان امّت اسلامی به سان کعبه باشند. پس علیّ بن ابی طالب(ع) به عنوان شخص حقیقی از چنین مقام و موقعیّتی برخوردار نیست؛ بلکه به عنوان شخصیّت حقوقی چنین مقامی دارد؛ گرچه تردیدی وجود ندارد که منشأ قرار گرفتن آن حضرت در این مقام و موقعیّت، شخصیّت والای حقیقی اوست. فضائل و کمالات علمی و معنوی و شخصیّتی او موجب شده که در چنین جایگاه رفیعی قرار گیرد و مدال محوریّت برای امّت اسلامی را از حق تعالی دریافت کند.  
نتیجه این برداشت از روایات، آن است که تنها امام علی(ع) به سان کعبه نیست؛ بلکه فرزندان معصوم آن حضرت نیز که در عصر خویش امامت و رهبری جامعه را برعهده دارند، دارای چنین موقعیّتی هستند.  
این برداشت با دو روایت دیگر که امام را به کعبه تشبیه کرده و ویژگی «تؤتی ولایأتی» را به امام نسبت داده، تأیید می‌شود.  
محمود بن لبید می‌گوید:   
دختر رسول خدا(ص) پس از رحلت آن حضرت کنار قبور شهدا مانند حمزه می‌آمد و می‌گریست. روزی که کنار قبر حمزه رفته بودم، آن حضرت را در حال گریه مشاهده کردم. صبر نمودم تا آرام شود، سپس جلو رفته و سلام کردم و گفتم: ای مولای من! چه عاملی موجب شد که علی(ع) از حقّ خود در رهبری جامعه صرف نظر کرد و فرو نشست؟ فرمود: «ای ابا عمر! رسول خدا(ص) فرمود: «مَثَلُ الإمامِ مَثَلُ الْکَعْبَه اِذْ یُؤتی وَلایَأْتی»12  
روایت دوم را جابر از امام باقر(ع) نقل کرده که حضرت فرمود:  
«یا جابِر مَثَلُ الإِمامِ مَثَلُ الْکَعْبَةِ اِذْ یُؤتی وَلایَأْتی»13  
در این روایت هر چند به سیره امام علی(ع) نیز استناد شده؛ امّا امام باقر(ع) در پاسخ مسائل که چرا شما برای گرفتن حقّ خود اقدام نمی‌کنید، این جمله را فرمود، پس این ویژگی اختصاص به امیرالمؤمنین(ع) نداشته و امامان دیگر نیز دارای این ویژگی بوده‌اند.  
نکته ششم: ظاهر بعضی از روایات (روایت 3 و 4) آن است که امام وظیفه نداشت به سراغ مردم رود؛ بلکه اگر مردم به سراغ حضرت آمدند، آنگاه وظیفه تصدّی حکومت و اداره جامعه بر عهده امام قرار می‌گیرد؛ چنان‌که بعضی از نویسندگان با استناد به این جملات نتیجه گرفته‌اند که هر چند ولایت بر امّت و حکومت بر جامعه حقّ الهی امام بود؛ امّا در صورت عدم اقبال مردم، امام نه تنها وظیفه‌ای نسبت به اداره جامعه و تصدّی حکومت نداشت؛ بلکه مجاز به تصدّی امر حکومت نبود.  
طبق این روایت امام وظیفه تصدّی امور جامعه را بر عهده داشت؛ امّا ستمگران مانع انجام وظیفه حضرت شدند و به عبارت دیگر ولایت و حکومت حقّ و تکلیف امام بود؛ امّا قدرت‌طلبان با آگاهی و تقصیر، حقّ او را به تأخیر افکندند و ستمگران او را از انجام وظیفه باز داشتند. از مسلّمات تاریخ آن مقطع است که حضرت برای گرفتن حقّ خود تلاش فراوانی نمود؛ امّا توفیق نیافت.  
پس از قرار گرفتن در مسند خلافت نیز مخالفت‌های فراوانی صورت گرفت؛ امّا امام هیچ‌گاه حاضر به ترک مسئولیت الهی خویش نشد. به هر صورت این موضوع از مباحثی است که اظهارنظر صریح و روشن درباره آن، نیازمند بررسی همه دلائل و شواهد مرتبط با آن است و فعلاً از موضوع این مقاله خارج است.  
میلاد امام علی(ع) به عنوان اوّلین امام در کعبه،14 معرفی فرزندان آن حضرت به عنوان وارثان کعبه «نَحْنُ اُولُوااْلأرْحامِ الَّذِینَ اَوْرَثْنا الْکَعْبَةَ»،15 پاک کردن کعبه از لوث وجود بت‌ها16، اعلان برائت در سرزمین وحی به وسیله علی(ع)17 به عنوان شخصی از خاندان پیغمبر و اوّلین امام و ظهور امام عصر(عج) در این سرزمین و از کنار کعبه، همگی حاکی از پیوند عمیق میان امام و کعبه است و نمی‌تواند اموری تصادفی و بدون ارتباط با یکدیگر باشد. امام نیز مانند کعبه ملجأ و پناهگاه مردم و مدار و محور زندگی توحیدی است.   
  
پی‌نوشت‌ها:  
1. نک: قبانچی، سیّد حسن، مسند الإمام علی(ع)، ج 3.  
2. نک: محمّد محمّدی ری شهری، موسوعـ［ الامام علیّ بن ابی طالب(ع) ، ج 8، ص119 به بعد.  
3. مجلسی، محمّد باقر، بحارالأنوار، ج32، ص533.  
4 . امام خمینی، صحیفه نور، ج 10، ص 174.  
5. سوره واقعه (56)؛ آیه 79.  
6 . سوره‌ احزاب (33)، آیه 33.  
7 . بحارالأنوار، ج 38، ص 199.  
8 . همان، ج 23، ص 483.  
9. طبرسی، ابومنصور، الاحتجاج، تحقیق شیخ ابراهیم بهادری و شیخ محمّدهادی به، ج 1، صص 446 ـ 442.  
10. بحارالأنوار، ج40، ص78، مجلسی این روایت را از ابن شیرویه دیلمی در فردوس الأخبار نقل کرده که ابن عبّاس راوی حدیث است. در موسوعـ［ الامام علی نیز شبیه آن از منابع اهل سنّت مثل اسدالغابه، ج 4، ص 106 نقل شده است.  
11. بحارالأنوار، ج36، ص111.  
12. همان، ص358.  
13. همان.  
14. همان، ج35، ص7.  
15. همان، ج32، ص97.  
16. همان، ج38، ص84 و ج39، ص65.  
17. همان، ج51، ص59.